

مراقب قالیشویی هلی قافلی باشدید

گروه حوادث/ هر ساله شب عید به دلیل تقاضای زیاد برای شستن فرش‌ها برخی مجرمان در پوشش شرکت‌های قالیشویی اقدام به سرقت فرش‌های مردم می‌کنند.

سرهنگ حسین بشیری، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی همدان ضمن هشدار به مردم گفت: در روزهای پایانی سال برخی شهروندان فرش‌های خود را برای شست‌وشو به قالیشویی‌ها می‌سپارند که این موضوع موجب شده برخی سودجویان فرصت‌طلب با توزیع انواع آگهی‌های تبلیغاتی در کمین شهروندان باشند و سارقان در قالب کارکنان قالیشویی فرش‌های شهروندان را سرقت کنند.

این تبلیغات به شکل پخش کردن برگه‌هایی است که تنها یک یا دو شماره در آن ذکر شده و در آن اشاره‌ای به آدرس کارگاه قالیشویی نمی‌کنند یا یک آدرس جعلی و غیرواقعی مطرح می‌کنند. ضمن اینکه اعلام قیمت‌های پایین از سوی این مجرمان، ترغبتی برای فریب مردم است.

معاون اجتماعی پلیس استان همدان بیان کرد: برای گرفتار نشدن در دام این مجرمان، از شرکت‌های قالیشویی معتبر که آگهی‌هایشان در روزنامه‌ها چاپ می‌شود استفاده کنند، زیرا اغلب مدارک این گونه شرکت‌ها کنترل می‌شود البته هرچند چاپ آگهی در روزنامه‌ها نیز دلیل محکمی برای تأیید فعالیت همه شرکت‌ها نیست.

بشیری اضافه کرد: برخی هموطنان پس از شستن فرش‌های خود، آن را برای خشک شدن روی دیوار یا پشت بام قرار می‌دهند که ممکن است مورد سرقت قرار گیرند. به همین دلیل تأکید می‌شود فرش را در مکانی قرار دهید که دسترسی به آن از کوچه و خیابان میسر نباشد.

شهروندان هنگام تحویل فرش‌ها به نمایندگان قالیشویی‌ها، کارت شناسایی آنها را به دقت بررسی کنند و مشخصات ظاهری آنها را نیز همراه با شماره پلاک خودرو یادداشت کنند تا در صورت بروز مشکلات احتمالی، پلیس بتواند مجرمان را شناسایی کند ضمن اینکه شهروندان برای اطمینان بیشتر از صحت فعالیت این شرکت‌ها می‌توانند از اتحادیه قالیشویان نیز استعلام کنند.

توصیه پلیس برای خرید هلی شب عید

گروه حوادث/ مجرمان با روزهای پایانی سال و رونق گرفتن بازار خریدهای شب عید، سارقان نیز دست از کار نکشیده و همواره در کمین بهترین فرصت‌ها هستند تا طعمه‌ای را به دام بیندازند. در این شرایط پلیس ضمن توصیه به مردم مبنی بر اینکه از حضور در اماکن شلوغ بپرهیز کرده و نسبت به رعایت فاصله اجتماعی برای پیشگیری از شیوع کرونا توجه داشته باشند، هشدار می‌دهد تا در صورت خرید و حضور در اماکن شلوغ مراقب سارقان باشند تا در دام آنها گرفتار نشوند.

سرهنگ رضا مؤذن معاون مبارزه با سرقت پلیس آگاهی نیروی انتظامی به شهروندان توصیه می‌کند، در مکان‌های شلوغ با کارت‌های اعتباری، خرید کنند.

وی به ایرنا گفت: شهروندان باید مراقب تماس بدنی افراد ناشناس در اماکن پرتردد باشند؛ در صورت امکان به اندازه خرید، وجه نقد یا خود همراه داشته باشند و سعی کنند وجه نقد را داخل چند جیب لباس تقسیم کنند.

مؤذن با اشاره به اینکه اشیای خریداری شده را در معرض دید افراد ناشناس قرار ندهید، گفت: هنگام خرید از وجوه نقد، چک‌های مسافرتی و لوازم یا ارزش، داخل جیب لباس‌های خود، مراقبت کنید. همچنین از به همراه داشتن طلا و جواهر و سایر اشیای غیر ضروری گرانقیمت اجتناب کنید.

مؤذن در توصیه به شهروندان، هنگام مسافرت در شهرها و اماکن متبرکه نیز توصیه می‌کند کودکان خود را به زبور آلات گران قیمت مزین نکنند؛ همچنین وجوه نقد هم یکجا حمل نشود. نام، سن، نشانی محل زندگی، شهر و استان خود را بر فرزندان بیاویزد؛ به کودک‌کان آموزش دهد، هنگام پاسخ دادن به تلفن، نگویند در خانه تنها هستند و هرگز در خانه‌های خالی، متروکه و محل‌های خلوت و دور افتاده بازی نکنند.

وی ادامه می‌دهد: هموطنان هنگام ترک خودرو شخصی نیز باید از رها کردن کیف دستی، پول نقد، اسناد، مدارک و هرگونه اموال باارزش درون خودرو، خودداری کنند. در صورتی که برای خرید از خودروی شخصی استفاده می‌کنند در صورت امکان، وسیله نقلیه خود را در پارکینگ‌های عمومی پارک کنند.

کلاهبرداری در پوشش روزنامه فروشی

گروه حوادث/ مردان شاید برای کلاهبرداری از مردم یک دهه روزنامه فروشی اجاره کرده و اقدام به کپی کارت بانکی مشتریان می‌کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، از چندی قبل تعدادی از شهروندان به پلیس فتا استان البرز مراجعه کرده و اعلام داشتند در حالی‌که کارت بانکی آنها در اختیار خودشان بوده، برداشت غیرمجاز از حساب بانکی آنها صورت گرفته است؛ بلافاصله بررسی موضوع در دستور کار کارشناسان پلیس فتا قرار گرفت و مشخص شد که برداشت از حساب مالباختگان به‌صورت اینترنتی نبوده و از طریق دستگاه پوز از کارت آنها برداشت شده و با آن در استان‌های مختلف کشور طلا خریده‌اند. بدین ترتیب شک مأموران به کپی اطلاعات کارت بانکی مالباختگان از طریق دستگاه اسکیمربه یقین تبدیل شد.

سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی استان البرز در این باره گفت: در ادامه تحقیقات مشخص شد که همه مالباختگان در یک بازه زمانی مشخص از یک دهه روزنامه فروشی در مناطق مرکزی کرج اقدام به خرید کرده و از آن طریق کارت بانکی شان کپی شده بود؛ در ادامه مأموران با انجام تحقیقات گسترده پلیسی ابتدا هویت یکی از متهمان را شناسایی کردند و سپس با زیر نظر ابتدا دادن او مشخص شد که وی به همراه یک نفر از همدمانش برای مدتی کوتاه یک دهه در شهر کرج اجاره کرده و پس از کپی برداری از کارت بانکی شهروندان، کده را تحویل داده‌اند.

بنابراین پس از شناسایی مخفیگاه متهمان در شهرهای فردیس و ملارد، مأموران با هماهنگی مقام قضایی در ۲ عملیات غافلگیرانه آنها را دستگیر کردند و در بازرسی از مخفیگاه یک دستگاه اسکیمرو ۲۰۰ کارت بانکی کپی‌برداری شده کشف کردند. همچنین مشخص شد متهم اصلی پرونده مدتی قبل به‌دلیل کلاهبرداری اسکیمری دستگیر و روانه زندان شده بود، اما با قرار وثیقه از زندان آزاد شده و دوباره به کلاهبرداری از شهروندان پرداخته است.

این مقام ارشد انتظامی با اشاره به این که ارزش کلاهبرداری این باند حدود ۱۳ میلیارد ریال برآورد شده، یادآور شد: تلاش برای شناسایی مالباختگان این پرونده ادامه دارد.

- دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۹۹
- سال بیست و هفتم
- شماره ۷۵۸۴

خودکشی نافرجام متهم

قبل از دادگاه

گروه حوادث/ جلسه رسیدگی به پرونده مرد جوانی که دوستش را به خاطر ۶۰۰ میلیون تومان به قتل رسانده، به دلیل خودکشی نافرجام متهم و حضور نیافتن وی در دادگاه کیفری به آینده موکل شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته با گزارش ناپدید شدن جوانی به نام سهراب آغاز شد. پدر این جوان پس از مراجعه به اداره پلیس درخصوص جزئیات ماجرا گفت: پسرم سهراب جوان موفق و متمولی است و چندروز پیش



گروه حوادث/ مرد جوانی که با همدستی یک زن و مرد مرتکب سه قتل فجیع در تهران شده بود، در تازه‌ترین اعترافات خود جزئیات بیشتری از این سه جنایت بیان کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ابماد چهارشنبه گذشته راز این قتل‌ها با اظهارات مرد جوانی به پلیس فاش شد. وقتی مأموران برای بررسی ماجرا به خانه مورد نظر در بلوار ابوذر رفتند، جسد زن و مردی داخل حمام و جسد ذوب شده دختری داخل بشکه اسیدی آبی رنگ بر این پرونده مهر تأیید زد. با کشف اجساد، تحقیقات برای دستگیری عاملان این جنایت آغاز شد و ساعت ۳ بعدازظهر همان روز هر سه متهم این پرونده بازداشت شدند.

سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت در رابطه با این خبر گفت: بررسی‌ها نشان می‌داد که این جنایت‌ها با همدستی دختر بزرگ خانواده به نام شقایق، دوست‌پسرش به نام شایان و بهروز دوست شایان صورت گرفته است. آنها خواهر ۲۰ ساله شقایق، مادر ۴۲ ساله وی و شوهر ۲۲ ساله مادرش را کشته بودند. در بررسی‌های صورت گرفته، بهروز مدعی شد که هر سه جنایت را او مرتکب شده و دو متهم دیگر در این ماجرا نقشی ندارند. متهمان برای بررسی صحت روانی به پزشکی قانونی منتقل شده و صحت روانی آنها تأیید شد. به دستور حبیب الله صادقی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت، متهمان در اختیار

جزئیات تازه‌از

قتل عام خانوادگی در بلوار ابوذر

نداشتم، وقتی دیدم خوب نفس نمی‌کشد با سیم شارژر او را به قتل رساندم. وقتی کار تمام شد، شقایق و شایان آمدند و از ماجرا باخبر شدند. آنها را تهدید کردم که اگر به کسی حرفی بزنند، زنده نخواهند ماند. شایان مخالف و معترض بود، با او درگیر شدم و تهدیدش کردم. صبح وقتی شوهر فریبا می‌خواست خانه را ترک کند، نقشه قتل او را کشیدم. من وقتی وارد خانه شدم قصد کشتن نبود اما حالا که یک نفر مرده بود دو نفر دیگر هم باید می‌مردند تا راز این جنایت برملا نشود. با گلدان کریستال چندین بار به سرش زدم. جسد را به داخل حمام برده و بعد از حدود نیم ساعت، فریبا را هم به قتل رساندم.

■ **چرا اسید را به میان آوردید؟**

بوی چانه‌ها راز قتل را برملا می‌کرد. از دوستم اسید تهیه کردم. جسد را که داخل بشکه انداختم باعث شد که اسید مرا هم بسوزاند. ترسیدم و تصمیم گرفتم باغی اجاره کنم و اجساد را داخل باغ دفن کنم، اما دیدم پایین آوردن جسد آن هم از ۵ طبقه واقعا کار سختی است و همسایه‌ها متوجه می‌شوند برای همین باز تصمیم گرفتم اجساد را بسوزانیم اما مدام پشت گوش می‌انداختم تا اینکه لو رفتم.

■ **با مردن این سه نفر، کسی پیگیر آنها نمی‌شد؟**
فریبا گفته بود که قصد دارد با شوهر جدیدش و دخترش از ایران بروند. می‌گفت شقایق به خاطر بچه‌اش نمی‌تواند کشور را ترک کند. ما هم همین خدود دو میلیارد تومان طلا دار و از همان موقع نقشه سرقت را طراحی کردم.

■ **از کی نقشه سرقت را کشیده بودی؟**

حدود یک یا دو ماه قبل، مادر شقایق به نام فریبا، جشن تولد گرفت و ما را هم به خانه‌اش دعوت کرد. با دیدن طلاهای فریبا و وضع خانه‌اش با خودم گفتم حدود دو میلیارد تومان طلا دار و از همان موقع نقشه سرقت را طراحی کردم.

■ **از جنایت بگو؟**

چند روز قبل از جنایات، شایان گفت فریبا گفته باید به رابطه‌اش با شقایق پایان دهد. از موضوع ناراحت شدم، با فریبا تماس گرفتم و او را راضی کردم تا بچه‌ها آشتی کنند. قرار شد شب حادثه من هم به خانه فریبا بروم اما شوهرش زیاد از من خوشش نمی‌آمد. فقط شقایق و شایان با غذاهایی که مسموم کرده بودیم وارد خانه شدند. بعد از ساعتی شقایق در را برایم باز کرد. وقتی من وارد شدم، هنوز خواب‌شان نبوده بود تا سرقت را اجرا کنیم. برای همین من متادون و قرص خواب‌آور و مواد بی‌هوشی را داخل آب ریختم و به خواهر شقایق دادم. آن شب مست بودم و حال خوبی

مردان ثروتمند قربانی باند دختران تبهکار

گروه حوادث/ اعضای یک باند که با فریب مردان سالخورده و پولدار از آنها

اخاذی می‌کردند از سوی پلیس‌مازندران دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، از چندی قبل تعداد زیادی مرد میانسال و سالخورده با مراجعه به پلیس فتای مازندران شکایت می‌کردند که از سوی افرادی هدف اخاذی قرار گرفته‌اند. شاکي‌ها مدعی بودند در یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی با فردی ناشناس که پیام دوستی برباشان می‌فرستاد، آشنا می‌شدند و پس از اینکه مدتی به صورت مجازی باهم در ارتباط بودند به‌واعتماد می‌کردند و عکس‌های خصوصی‌شان را برایشان ارسال می‌کردند. اما بعد از مدتی با تهدیدبه انتشار تصاویر خصوصی قصد اخاذی از آنها را داشتند.

سرهنگ سامع‌خورشاد، رئیس پلیس فتای مازندران در تشریح این خبر گفت: با بررسی‌های اولیه و اقدامات تخصصی صورت گرفته توسط تیم کارشناسان این پلیس متهمان مورد شناسایی قرار گرفتند و مشخص شد که اعضای باند طعمه‌هایشان را شناسایی می‌کردند سپس با همدستی چند دختر، به افراد

- editorial@irannewspaper.ir
- تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ – ۸۸۷۶۱۶۲۱

به سمت باغی بردم و در میانه راه او را به داخل چاه انداختم و با سنگ چند ضربه‌ای به سرش زدم و بعد فرار کردم.

بعد از آن هم به خانه آمدم چون حال روحی خوبی نداشتم و لباس‌هایم هم پاره بود همسرم به من مشکوک شد و خواست بداند چه اتفاقی برایم افتاده که من هم به دروغ گفتم که با سهراب به باغی رفته بودیم و چند موتورسوار به سمت‌مان حمله کردند و سهراب را کشتند و من توانستم فرار کنم. همسرم هم اصرار کرد که موضوع را به پلیس بگویم اما من قبول نکردم.

بعد از چند روز هم سهراب را از داخل چاه بیرون کشیدم و به بیابان بردم و سوزاندم تا ردی از او باقی نماند.

متهم در بازجویی‌های اولیه پاسخ به این سؤال که چرا دستهای سوخته گفت: دست‌هایم به خاطر اینکه ماشین سهراب را به آتش کشیدم سوخت. روی ماشین بنزین ریختم و بخشی از بنزین روی دست خودم ریختم و حین آتش زدن ماشین دست خودم هم سوخت.

با تکمیل تحقیقات و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. دراین جلسه که متهم حاضر نشده بود، اولیای دم درخواست قصاص کردند و وکیل مدافع

متهم درباره غیبت موکلش گفت: موکل من بعد از اینکه زندانی شد وضعیت روحی بسیار بدی پیدا کرد.

خانواده اش از هم پاشید و عذاب وجدان قتل دوست صمیمی‌اش رهایش نکرد. زمانی‌که من وکیل او شدم متوجه شدم دوبار دست به خودکشی زده است. او بدست افسرده شده و وضعیت روحی خوبی ندارد. موکلم وزن زیادی کم کرده، حالش خوب نیست و نیاز به درمان دارد.

وی در ادامه افزود: متوجه شدم موکلم شب‌گذاشته مقدار زیادی قرص خورده و تا پای مرگ رفته به طوری‌که پزشکان زندان هیچ امیدی به بازگشت او نداشتند اما به طرز معجزه‌آسایی نجات پیدا کرد. به دلیل وخامت حالش امکان اینکه با او صحبت کنم وجود نداشت. اما خردارم وضعیت بهتری پیدا کرده است. من به زندان خواهم رفت تا او را راضی کنم با دکتر روانپزشک صحبت کند و روند درمانش را آغاز کند تا بتواند در جلسه دادگاه حاضر شود.

پس از اظهارات وکیل متهم قضات وارد شور شدند و تا زمان بهبودی نسبی متهم ادامه رسیدگی به پرونده را متوقف کردند تا بعد ازبهبودی نسبی متهم محاکمه شود.

شکارچی زنان مسافردستگیرشد



گروه حوادث/ راننده یک پراید که دوزن جوان را ربوده و مورد آزار و اذیت قرار داده بود، از سوی کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۸:۳۰ شامگاه ۳۰ آبان امسال مرد ۳۸ساله‌ای به پلیس رفت و از ربوده شدن همسرش خبر داد. وی اعلام کرد، همسرم برای دیدن مادرش خانه را ترک کرد و من تصور می‌کردم که او در خانه مادرش است اما با تماسی که او ساعتی قبل با من داشت، متوجه شدم او را ربوده‌اند. با شکایت مرد جوان، پرونده‌ای در اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ تشکیل و تحقیقات برای دستگیری آدم‌ربایان و آزادی گروگان آغاز شد. در حالی‌که تحقیقات دراین باره ادامه داشت، زن جوان به خانه برگشت و راز جنایتی سیاه را برملا کرد. وی اعلام کرد در راه رفتن به خانه مادرم بودم که نگاه خودروی پراید سفید رنگی مقابلم توقف کرد، راننده از خودرو پیاده شد و شروع به تکت زدن من کرد و مرا کشان کشان به داخل خودروی خود برد، هوا تاریک بود و من هم در خیابان خلوتی در حال عبور بودم به همین دلیل کسی متوجه من نشد.

بعد از اینکه آن مرد، مرا سوار خودروی خود کرد، به راه افتاد. هر چه التماسش کردم که مرا رها کند، به حرف‌هایم توجه نکرد و مرا مدام تهدید می‌کرد، در نهایت هم در محلی خلوت توقف کرد و مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و بعد هم مرا همانجا رها کرد و متواری شد.

سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره این پرونده گفت: زن جوان شماره پلاک خودرو را حفظ کرده بود اما چون هوا تاریک بود، بخوبی نتوانسته شماره‌ها را ببیند. این در حالی بود که پزشکی قانونی تأیید کرد که زن جوان مورد ضرب و جرح و آزار و اذیت قرار گرفته است و همچنین کارآگاهان به سراغ دوربین‌های مداربسته اطراف محل آدم‌ربایی رفتند که دوربین‌ها لحظاتی که مرد پراید سوار با تهدید زن جوان را سوار خودرو کرده و او را مورد آدم‌ربایی قرار داده بود را ضبط کرده بودند.

نثاری ادامه داد: در گام بعدی زن جوان به دایره چهره‌نگاری پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد و برای شناسایی مرد پرایدسوار با این احتمال که او از افراد سابقه‌دار در پلیس آگاهی است، تصاویر متهمان سابقه‌دار اداره آگاهی به او نشان داده شد. به گفته این مقام انتظامی، گرچه شماره‌هایی که زن جوان در اختیار تیم تحقیق قرار داده بود کامل نبود، اما کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی پایتخت شماره‌ها را در کنار هم قرار داده و تمامی خودروهای پراید سفید رنگی را که شماره‌های آنها با شماره‌هایی که زن جوان برداشته بود هماهنگی داشت شناسایی کردند.

■ **دومین شاکت**

وی افزود: در حالی‌که تحقیقات ادامه داشت، کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ با شکایتی مشابه مواجه شدند، زن جوانی ۱۵بهمن امسال به اداره آگاهی رفته و از ربوده شدن و آزار و اذیتش شکایت کرد. او گفت: ساعت ۴:۴۵ بعدازظهر ۱۲ آذر امسال در جنوب غرب تهران سوار خودروی پراید سفید رنگ شدم، اما پس از طی مسافتی راننده تغییر مسیر داد و در خیابانی تاریک و خلوت توقف کرد. وقتی از نیت شوم او باخبر شدم، با راننده پراید درگیر شده و حتی گوش او را هم گاز گرفتم و او مجروح شد، اما پس از اجرای نقشه سیاهش، موفق شدم از دست او رها شوم و فرار کنم اما موفق شدم شماره پلاک خودرو را یادداشت کنم.

معاون جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ اظهار داشت: با اطلاعاتی که دومین شاکر در اختیار تیم تحقیق قرار داد، مشخصات مالک خودرو شناسایی شد و در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که خودروی پراید در اختیار پسر خاله صاحب خودرو است. با شناسایی هویت متهم و پس از هماهنگی‌های قضایی با بازپرس دادسرای امور جنایی تهران، ۱۴ اسفند، مرد جوان در خانه‌اش در شرق تهران در عملیاتی غافلگیرانه بازداشت شد، متهم پس از انتقال به اداره آگاهی به جرم خود اعتراف کرد؛ تحقیقات برای شناسایی سایر جرایم احتمالی متهم جوان از سوی کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه دارد.